

Analyzing the Meaning Structure of the Lifestyle of the Women of the “Y” Generation in Tehran

Mahtab Razie, PhD Student in Sociology, Islamic Azad University, Tehran Mar-kazi Branch, Tehran, Iran. Email: mahtabraziee@gmail.com

Ehsan Rahmani Khalili, Assistant Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
Email: ehsan5171@gmail.com

Aliyeh Shekar beygi, Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: ashekarbeugister@gmail.com

Abstract

Lifestyle can be constructed in different people, cultures and societies because it is based on the lived experience and social, cultural and economic conditions of the individual members of the society. Generation Y, which in Iran is equal to the beginning of the sixties to the beginning of the eighties, is influenced by the conditions of society in those two decades and has a different lifestyle from the generation before and after it. So now the question is raised, what is the meaning of the life style of women of the generation in Tehran? The method of this data theory is the foundation. The data required for this research is the result of a semi-structured interview with 21 young women living in Tehran who were part of the “Y” generation. The method of selecting the participants is purposeful and available and determining their number upon reaching the saturation stage has been specified. The findings of this research three central phenomenon “preferred individualism” and “economic independence” and “Selective cultural style” were chosen as central phenomena and the selective phenomenon of “generational expectations” was chosen as the main paradigm. One of the causes of this phenomenon is the modern attitude and the dominance of virtual discourse and Relative acceptance of structures, which results in the creation of a semi-traditional lifestyle and achieving the desired lifestyle. The women of the Y generation are different women from the previous generation. By making changes in the traditional lifestyle of the society, they have created a semi-traditional and semi-modern lifestyle. The most important characteristic of these women is their efforts to gain financial independence before marriage.

Key words

Generation Y, Lifestyle, Governance of Virtual Discourse, Preferred Lifestyle.

واکاوی برساخت معنایی سبک زندگی زنان نسل وای شهر تهران

مهتاب رضیئی^۱، احسان رحمانی خلیلی^۲، عالیه شکر بیگی^۳

چکیده

سبک زندگی می‌تواند در افراد، فرهنگ‌ها و جوامع مختلف به‌عنوان یک امر برساختی باشد زیرا مبتنی بر تجربه زیسته و شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فرد افراد جامعه است. نسل وای که در ایران برابر با شروع دهه شصت تا آغاز دهه هشتاد است تحت تأثیر شرایط جامعه در آن دو دهه سبک زندگی متفاوت از نسل قبل و بعد از خود دارد؛ بنابراین اینک این سؤال مطرح می‌شود که برساخت معنایی سبک زندگی زنان نسل وای شهر تهران چیست و چه پیامدهای در پی دارد؟ رویکرد این پژوهش کیفی و با روش نظریه داده بنیاد است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش حاصل مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۱ نفر از زنان جوان ساکن شهر تهران که جزء نسل وای بودند، به روش انتخاب هدفمند و در دسترس انجام شد. تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان با رسیدن به مرحله اشباع نظری، مشخص شده است. پژوهش حاضر، از بین ۲۱ مصاحبه شامل، ۸۰۳ داده خام که بعد از بررسی مفاهیم تکرار شده به ۳۸۴ دلالت مفهومی، ۶۰ مقوله محوری، ۱۴ مقوله انتخابی استخراج شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، پدیده انتخابی «ره‌آورد های نسلی» به‌عنوان پارادایم اصلی انتخاب گردید. از علل این پدیده، نگرش مدرن و حاکمیت گفتمان مجازی و پذیرش نسبی ساختارها است که پیامد آن ایجاد سبک زندگی نیمه سنتی و رسیدن به سبک دلخواه زندگی است. زنان نسل وای، زنانی متفاوت از نسل پیشین هستند. آن‌ها با ایجاد تغییراتی در سبک زندگی سنتی حاکم بر جامعه، یک سبک زندگی نیمه سنتی و نیمه مدرن را به وجود آورده‌اند. مهم‌ترین مشخصه این زنان، تلاش آن‌ها برای کسب استقلال مالی قبل از ازدواج است.

واژگان کلیدی

نسل وای، سبک زندگی، حاکمیت گفتمان مجازی، سبک زندگی ترجیحی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

۲. استادیار دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. mahtabraziee@gmail.com

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ehsan5171@gmail.com

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ashekarbeugister@gmail.com

مقدمه

سبک زندگی در میان گروهی از افراد جامعه وجود دارد که الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست. در این پژوهش بر ساخت معنایی سبک زندگی در میان زنان نسل وای یعنی دختران دهه شصت مورد بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی قرار گرفته است. با بالا رفتن سن ازدواج و افزایش تجرد تغییراتی هم در سبک زندگی ایجاد می‌شود که بر ساخت معنایی آن‌ها از سبک زندگی با نسل‌های پیش متفاوت است. «تجرد قطعی دختران پدیده نوینی است که در ایران از شرایط و زمینه‌های ساختاری، مداخله‌ای و علی‌گوناگونی نشئت گرفته است و در حال حاضر خود را در قالب مجردان قطعی بازنمایی کرده است، بدیهی است که پیامدهای این آسیب اجتماعی بسیار متفاوت و حتی ممکن است متضاد باشند که هر کدام در نوع خود نیاز به ریشه‌یابی دقیق خواهد داشت. به نظر می‌رسد پیامدهای تجرد قطعی با افزایش سن مجردان قطعی بیشتر نمایان خواهد شد و این افراد در سال‌های آتی در زمینه‌های مختلف؛ اجتماعی، رفتاری، پزشکی و غیره. نیاز به مراقبت‌های بیشتری از سوی جامعه خواهند داشت. تجرد قطعی منجر به پیامدهای ناخواسته‌ای می‌شود که کلیت جامعه را به‌طور اعم و افراد جامعه هدف را به‌طور اخص با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد» (طالب‌پور و بیرانوند، ۱۴۰۱: ۱۰).

«در دهه‌های اخیر همه‌جوامع در حال دگرگونی هستند و ایران نیز دچار تغییراتی در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... شده است. پیدایش و گسترش زمینه‌های مختلف فناوری همواره اشکالی از روابط اجتماعی جدید و الگوهای فرهنگی را در سبک زندگی به دنبال آورده است. سبک زندگی به معنای شیوه‌ای از زندگی است که مبتنی بر الگوهای قابل شناسایی از رفتاری است که از طریق فعل و انفعال بین ویژگی‌های شخصی فرد، تعاملات اجتماعی و شرایط اقتصادی اجتماعی و محیطی زندگی فرد تعیین می‌شود» (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۲). با توجه به اینکه نیمی از پیکر جامعه ما را زنان تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر نظریه ارزش‌والای زن در جامعه، سلامت، نشاط و دسترسی آنان به علوم می‌تواند در داشتن جامعه‌ای سالم و شاداب نقش مهمی داشته باشد. سبک زندگی در جوامع رو به توسعه در عصر حاضر به دنبال تحول اجتماعی و اقتصادی با بسیاری از تنوع‌ها و تناقض‌ها روبه‌رو شد، تأثیر عواملی چون ارتباطات شهرنشینی، صنعتی شدن جامعه، گسترش آموزش و ... در شکل‌دهی به سبک زندگی زنان نقش بسزایی دارد. «عوامل

۱. بر طبق گزارش مرکز آمار، در سال ۱۴۰۱ تعداد ۴۲ میلیون و ۷۷۳ هزار نفر از جمعیت را مردان و ۴۱ میلیون و ۹۲۷ هزار نفر از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند.

مختلف جسمی، روانی، حمایت اجتماعی و ارتباطات اجتماعی بر سبک زندگی زنان عامل تعدیل کننده است» (Somekawa, 2019: 158). «مقوله تفاوت نسلی، یکی از مصادیق و توابع گذار جوامع از صورت سنتی به شکل مدرن تصور می شود. در دو دهه اخیر، در پی روند عام نوسازی جهانی، جامعه ایران با اجرای برنامه های توسعه ای و طی فرایند نوسازی و در نتیجه بهبود شاخص هایی چون گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، جوانی جمعیت، افزایش سطح ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید مانند دانشگاه، با دگرگونی هایی در ساختارهای اجتماعی و سیاسی مواجه بوده است. در این میان، جوانان به دلیل ویژگی های شخصیتی و منحصر به فرد خود، بیشتر در معرض فرایندهای تغییر قرار می گیرند و زودتر از نسل بزرگسال، دچار تغییر می شوند. در اثر این تجربه نسلی متفاوت، ارزش ها و نگرش ها و جهت گیری های متفاوتی را در مقایسه با نسل بزرگسال، نسبت به ابژه های مختلف کسب می کنند» (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸).

از سوی دیگر، سبک زندگی در ارتباط تنگاتنگ با نسل هاست. معمولاً افراد یک نسل شباهت بیشتر در انتخاب سبک های زندگی دارند. برای تقسیم نسل ها، طبقه بندی هایی صورت گرفته است. «یکی از آن ها صورت بندی پنج گانه ای از نسل هاست که در ابتدا بیشتر با کانون توجه به جامعه آمریکا و سپس با نظر به دیگر جوامع جهان تدارک دیده شده است: ۱. نسل خاموش؛ ۲. نسل بومر (دوره انفجار جمعیتی)؛ ۳. نسل X؛ ۴. نسل Y و ۵. نسل Z» (Tulgan, 2016, Huntley, 2006).

«نسل Y یا هزاره»، در ایران، نسل انقلاب اسلامی، متولدین حدود ۲۰۰۰ - ۱۹۸۱ هستند. دوره ظهور کامپیوترهای پی سی، اینترنت، تلویزیون های ماهواره ای، دهکده جهانی و سپس فناوری اطلاعات و ارتباطات، و بگردی در رونق وب یک، لینکدن، وبلاگ ها و ویکی هاست. دایره المعارف ها به دست همگان افتاده است، می خوانند و خود نیز بر آن می نویسند. کودکان و نوجوانان اهمیت یافته اند. پدر و مادرها از آن ها فن و مهارت های کامپیوتری یاد می گیرند. از مشخصات کم و بیش مشهود در این فرهنگ و اجتماع این دوره؛ کم حوصلگی، اهمیت سبک زندگی، سرگرمی، فان و لحظه حال، اوقات فراغت، گروه های دوستی، تجربه شخصی، نیازهای فرا مادی، مهارت گرایی، بی تکلفی و بی تعارفی است. مقارن آن در ایران، متولدین ۱۳۷۸ - ۱۳۵۸ و نسل دوره انقلاب اسلامی اند. این ها از آغاز دوره رشد خویش طعم پیروزی انقلابی را به همراه تلخی اختلافات سیاسی بر سر جایگزینی قدرت و بر هم خوردن اوضاع و

خشونت را باهم چشیده‌اند و جنگ را باز هم با حماسه‌ها و هزینه‌هایش دیواربه‌دیوار دیده‌اند، ورق برگشتن از اقتصاد کوپنی و دفاع مقدس به آتش‌بس و اقتصاد پساکوپنی و عمل‌گرایی را باهم دوره کرده‌اند و بالا پایین شده‌اند و آخرالامر نیز با اینترنت و ارتباطات، اوقات فراغت، رونق جدید مدنی و اصلاحات دولتی قرین شده‌اند. نسل سرشاری و سرخوردگی، نسل رؤیاها و گم‌شدن رؤیاها و نسل آغازها و پایان‌ها هستند؛ اما عمده‌کانون توجه این نسل حالا به فراغت و تجربه، سبک زندگی و فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه معطوف شده است» (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۷). بر ساخت معنایی مقوله سبک زندگی در بین زنان می‌تواند طبقه اجتماعی، روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و شاید هویت یک خانواده و یا یک شخص را تغییر دهد و هر نسل نوعی از سبک زندگی را اختیار می‌کند. نسل وای که در ایران برابر با شروع دهه شصت تا آغاز دهه هشتاد است تحت تأثیر شرایط جامعه در آن دو دهه (پیروزی انقلاب، جنگ، تحریم، ورود اینترنت و...)، سبک زندگی متفاوت از نسل قبل و بعد از خود دارد که البته می‌تواند در گروه‌های مختلف زنان این دوره زمانی متفاوت باشد. تغییر در بر ساخت معنایی سبک زندگی موجب تغییر در روابط و شرایط متفاوت عاطفی و نگرش‌های نوین شده و مسائل مختلفی را در زمینه‌های هنجارها، رفتارها، طبقات اجتماعی، الگوهای زندگی، قشر بندی و ... در سبک زندگی زنان به وجود آورده است. اهمیت بر ساخت معنایی که زنان از سبک زندگی خود دارند، بر شیوه زندگی و تأثیر آن بر روابط اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه ایجاد سبک جدیدی از زندگی مدرن در کنار زندگی سنتی و نسل جدید که با این امکانات در تماس بوده‌اند، موجب شده ارزش‌ها و الگوهای‌شان تغییر کرده و در تقابل با نسل قبلی قرار بگیرد. تاکنون پژوهش‌های مختلفی در رابطه با سبک زندگی زنان انجام گرفته است، اما در رابطه با بر ساخت معنایی سبک زندگی زنان و تحلیل جامعه‌شناختی آن، تحقیقی کاملی انجام نشده است. در این پژوهش تلاش شده تا بر ساخت معنایی سبک زندگی زنان نسل وای، واکاوی شود؛ بنابراین اینک این سؤال مطرح می‌شود که بر ساخت معنایی سبک زندگی زنان نسل وای^۱ شهر تهران چیست؟

سؤالات جزئی:

۱. شرایط علی شکل‌گیری سبک زندگی در مشارکت کنندگان، چیست؟

۱. نسل ایگرگ یا نسل هزاره Millennials به نسلی می‌گویند که پس از نسل ایکس و پیش از نسل زد، در بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ و در ایران نیز این نسل شامل کسانی که بین سال‌های ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۸ دنیا آمده‌اند می‌شود.

۲. شرایط و زمینه‌هایی شکل‌گیری سبک‌های زندگی، در مشارکت‌کنندگان، چیست؟

۳. استراتژی‌هایی مشارکت‌کنندگان برای همخوانی بهتر سبک زندگی خود با

شرایط جامعه چیست؟

۴. پیامد استراتژی‌های به‌کاررفته از طرف مشارکت‌کنندگان در پژوهش، چه بوده است؟

پیشینه پژوهش

با بررسی پیشینه مطالبی در خصوص این پژوهش، محقق به موارد بسیاری دست یافت. برای غربالگری این پژوهش‌ها، اقدام به اعمال محدودیت‌های زمانی شد تا تازه‌ترین پژوهش‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. به‌طور خلاصه به برخی از این مطالعات اشاره شده است. محمدی (۱۴۰۰)، در بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی زنان با تأکید بر سبک زندگی، به این نتایج می‌رسد که «عدم توسعه‌یافتگی، وضعیت معیشتی و اقتصادی بسیار پایین استان کردستان و نرخ بیکاری زیاد به شدت بر روی کیفیت و سبک زندگی زنان تأثیر گذاشته است؛ ضریب نفوذ و سطح پوشش و دسترسی اینترنت در استان کردستان و به‌ویژه شهر سنندج در وضعیت بسیار مطلوب و بالایی قرار دارد». هاشم‌پور صادقیان (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای که به بررسی رابطه تعیین‌کننده‌های اجتماعی آنلاین و آفلاین با سبک زندگی ارتقادهنده سلامت زنان و مردان ۶۵-۱۸ سال در شهر شیراز، پرداخته است در نهایت به این نتایج می‌رسد که «در نظر گرفتن تعیین‌کننده‌های آفلاین و آنلاین در کنار یکدیگر می‌تواند تبیین بهتری از سبک زندگی ارتقادهنده سلامت ارائه دهد. همچنین نیاز است تا سیاست‌گذاری‌های بیشتری جهت ارتقاء سطح سلامت سبک زندگی جوانان و میان‌سالان، خصوصاً مردان انجام شود.»

نتایج پژوهش عسگری و همکاران (۱۳۹۹)، با عنوان «سبک زندگی و فردگرایی زنان در شیراز»، نشان می‌دهد که «بین سبک زندگی و میزان فردگرایی زنان شهر شیراز رابطه معکوس وجود داشت؛ بنابراین بهبود سبک زندگی با محور قرار دادن خانواده و توجه به ابعاد حمایتی آن می‌تواند بر کاهش میزان فردگرایی این قشر اثر مثبت داشته باشد». راسموس^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، در تحقیقی با عنوان «پیشینه خانوادگی و سبک زندگی فرهنگی: انجمن‌های چند نسلی»، به این سؤال پاسخ دادند که «آیا پیشینه خانوادگی با سبک زندگی فراتر از دو نسل ارتباط دارد؟» بر اساس یافته‌های این پژوهش، سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها نیز به‌طور

غیرمستقیم از طریق ارتباط مثبت با سرمایه فرهنگی والدین عمل می‌کند که به نوبه خود با احتمال این که نوه‌ها سبک زندگی فرهنگی همه‌چیزخوار را نشان دهند مرتبط است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پیشینه خانوادگی فراتر از دو نسل است و سرمایه فرهنگی نیاکان دارای ویژگی‌های سلسله‌ای است.

ناگلا و یانیکا^۱ (۲۰۱۹)، در تحقیقی با عنوان «تأثیر سبک زندگی والدین بر وضعیت و سبک زندگی فرزندانشان در هلند»، به بررسی میزان تأثیر والدین بر دستیابی به موقعیت فرزندان بزرگسال خود از طریق سبک زندگی والدین در دوران کودکی فرزندان خود پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دو بعد فرهنگی و اقتصادی سبک زندگی والدین مزیت نسبی را از نظر تحصیلات، شغل و درآمد فرزندان بزرگسال آن‌ها به ارمغان می‌آورد. به این ترتیب، ابعاد فرهنگی و اقتصادی سبک زندگی والدین مکانیسم‌هایی است که والدین از طریق آن موقعیت اجتماعی خود را به فرزندان خود منتقل می‌کنند. یوشیاکی و همکاران^۲ (۲۰۱۹)، در تحقیقی با عنوان «رابطه کیفیت زندگی و سبک زندگی، سن، جنسیت، حمایت اجتماعی» به این موضوع پرداختند که سبک زندگی تأثیر قابل توجهی بر سلامت جسمی و روانی دارد. ارتباط بین سبک زندگی و کیفیت زندگی بسیار مهم است. برخی از عوامل به‌طور غیر مستقیم از طریق سبک زندگی بر کیفیت زندگی تأثیر منفی گذاشتند. سن، جنس و حمایت اجتماعی ارتباط بین کیفیت زندگی و سبک زندگی را در نوجوانان تعدیل می‌کند. حمایت اجتماعی رابطه بین سبک زندگی و کیفیت زندگی را فقط در نوجوانان تعدیل می‌کند. در مقطع کارشناسی، جنسیت فقط کیفیت زندگی را تعدیل می‌کند و حمایت اجتماعی فقط ارتباط بین کیفیت زندگی و سبک زندگی را تعدیل می‌کند.»

در پژوهش‌های پیشین، مؤلفه‌هایی مانند، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی زنان، تعیین‌کننده‌های اجتماعی آنلاین و آفلاین با سبک زندگی، سبک زندگی و فردگرایی زنان، پیشینه خانوادگی و سبک زندگی فرهنگی، تأثیر سبک زندگی والدین بر وضعیت و سبک زندگی فرزندان و رابطه کیفیت زندگی و سبک زندگی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش در واقع چتری مشتمل بر همه این پژوهش‌هاست که درصدد واکاوی برساخت معنایی سبک زندگی زنان نسل وای شهر تهران و تلاش برای درک عمیق درک و تلقی مشارکت‌کنندگان از این موضوع و استراتژی‌های آن‌ها برای رسیدن به سبک زندگی موردپسند خود است.

1. Nagela and Yannick

2. Yoshiaki et al

مبانی نظری پژوهش

بر اساس اندیشه پارسونز «کنش اجتماعی را، برآیند سه نظام شخصیت، فرهنگ و نظام اجتماعی می‌داند» (روشه، ۱۳۹۵: ۸۱). «افتراق پذیری برآیند اصلی تفاوت‌های کارکردی در جوامع مدرن و پسامدرن است که موجب ظهور سبک‌های زندگی متفاوت و متکثر می‌گردد؛ اما آنچه همواره در دیدگاه پارسونز مورد انتقاد واقع شده است، تأکید وی بر تحمل و پذیرش فشارهای ساختاری از سوی کنشگران است» (کرایب، ۱۴۰۰: ۶۱). پارسونز، نظام اجتماعی را به‌عنوان یک نظام کنش متقابل دانست. او به‌جای این مقوله، آمیزه نقش- منزلت را به‌عنوان واحد بنیادی در بررسی نظام اجتماعی به کار برد. منزلت به‌عنوان یک جایگاه ساختاری در داخل نظام اجتماعی تلقی می‌شود. نقش همان کارکردی است که کنشگر در یک چنین موقعیتی انجام می‌دهد. کنشگر برحسب اندیشه‌ها و اعمال در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه دستکم برحسب موقعیتی که در نظام اجتماعی دارد؛ به‌عنوان یک‌رشته منزلت‌ها و نقش‌ها، تشخیص داده می‌شود. وی معتقد بود در یک فراگرد اجتماعی شدن موفق، این هنجارها و ارزش‌ها ملکه ذهن می‌شوند، یعنی به‌صورت بخشی از وجدان کنشگران یا وجدان آن‌ها درمی‌آید. مانهایم، «مفهوم اجتماعی نسل را، جایگاه مشترکی از منظر تاریخ تحولات بازنمایی می‌کند و معتقد است، در هر نسلی نگرش‌های غالب متفاوت و فضا‌های اجتماعی، ارزشی، آرمانی، ایدئولوژیک، هویتی، گفتمانی و پارادایمی متمایز و سبک‌های زندگی تا حد زیادی متفاوتی رواج دارد» (Brooks, 2006: 54).

ماکس وبر، «سبک زندگی را با توجه به «گروه منزلتی»؛ شیوه‌های غالب زندگی یا سبک زندگی به‌مثابه یکی از سه دترمینان یا عامل تعیین‌کننده قشرهای اجتماعی سخن می‌گوید. از نظر وبر مهم‌ترین عوامل در تشخیص لایه‌های اجتماعی عبارت است از:

الف) روش زندگی فردی و به‌طور اخص نوع شغل انتخابی از سوی شخص؛

ب) کاریزمای موروثی که ناشی از منزلت خانوادگی است؛

پ) اعتبار سیاسی یا اقتدار که به‌عنوان امتیاز انحصاری توسط گروه‌های متمایز به دست می‌آید» (وبر، ۱۳۹۶: ۴۴).

طبق نظر وبر ویژگی اصلی سبک زندگی انتخابی بودن آن است اما انتخابی که در محدوده ساختارهایی قرار می‌گیرند که احتمال تحقق آن را محدود می‌کنند. درست مانند تصمیم‌گیری برای ازدواج که اگرچه انتخاب با خود شخص است تحت ساز و کار و نظم اجتماعی صورت می‌پذیرد و شخص در انتخاب خود درگیر قید و بندهای

جامعه می‌شود. بر اساس این دیدگاه، انتخاب سبک زندگی در بین زنان نسل وای در ایران، بر اساس ساختارهایی که این زنان در آن چشم به جهان گشوده و دوران کودکی، نوجوانی و جوانی خود را گذرانده‌اند، قابل تبیین است.

«ویژگی اصلی سبک زندگی از نظر وبر قدرت انتخاب افراد برای گزینش شیوه زندگی است. البته نقش محدودیت‌ها، شرایط و اقتضائات اجتماعی و اقتصادی و عوامل محیطی را در این انتخاب و گزینش انکار نمی‌کند. همچنین از منظر کارکردگرای، دو کارکرد مهم برای سبک زندگی قائل است. از یک طرف تفاوت بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی را آشکار می‌کند و از سویی سبب انسجام و همبستگی میان گروه‌های منزلتی و افراد یک طبقه اجتماعی می‌شود» (آجیلی و بیکی، ۱۳۹۳: ۸۷). قدرت انتخاب زنان نسل وای در ایران، طبق ساختارهای حاکمیت کلیشه‌های جنسیتی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و تحولات سال‌های آغازین انقلاب، باید از بین همان مجموعه سبک‌هایی انتخاب می‌شد که در بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸ شمسی موجود بود. زنان و دختران در این گفتمان ارزشی باید در عین تبعیت از ارزش‌های خانواده و جامعه، با سخت‌کوشی و تلاش مدارج علمی و مهارتی را طی و دارای مشاغل شوند که در عین ایجاد شرایط استقلال مالی، منافاتی با وظایف اصلی زنانه یعنی ازدواج، فرزندآوری، همسرداری و تربیت فرزندان نداشته باشد.

«بوردیو مفاهیم مختلفی را برای تحلیل مفهوم سبک زندگی به کار می‌برد. مفهوم میدان، سرمایه، منش، عمل، طبقه و قریحه را مورد بررسی قرار داد. بوردیو در تعریف مفاهیم به برداشتی که از آن مفهوم در آن میدان به عمل می‌آید توجه دارد. آنچه به میدان معنا می‌دهد، سرمایه است. حجم و ترکیب انواع سرمایه نزد فرد جایگاه وی را در سلسله‌مراتب میدان تعیین می‌کند، بنابراین می‌توان هر میدان را از طریق نوع و میزان سرمایه موجود در آن شناسایی کرد. در میان انواع سرمایه فرهنگی در اندیشه بوردیو از اهمیت زیادی برخوردار است. جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل بوردیو از سبک زندگی بر همین نوع سرمایه متکی است» (رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵: ۷۲).

«زیمل معتقد است روند زندگی در شهر، آگاهی به مد را افزایش می‌دهد؛ یعنی نیاز به انتخاب مواد مصرفی از میان مجموعه‌ای که هم متمایزکننده یک گروه اجتماعی خاص و هم بیانگر ترجیحات خاص است؛ بنابراین الگوهای مدرن مصرف تا حدی ناشی از زیستن در کلان‌شهرها، شهرها و حومه‌ها است؛ زیرا زندگی در این محیط‌ها، همان‌گونه که زیمل می‌گوید؛ انسان‌های جدیدی را پرورش می‌دهد که نگران «حفظ

خودمختاری و فردیت وجود خویش در تقابل با نیروهای چیره اجتماعی» است؛ بنابراین آگاهی از مد و شیوه‌های مصرف به‌منظور ابزاری برای ایجاد تمایز و بیان هویت و ترجیحات فرد افزایش می‌یابد. شخص در شهر بزرگ مصرف می‌کند تا برای خود هویتی را بسازد که دوست دارد، باشد» (باکاک، ۱۳۹۸: ۲۶). در عصر حاضر و در بین مشارکت‌کنندگان این پژوهش که در یک کلان‌شهر و با تحصیلات دانشگاهی، زندگی می‌کنند، در کنار شهری بودن، فضای مجازی نیز وجود دارد که در زمان زیست زمیل وجود نداشت. تأثیر این فضای مجازی، شاید بیشتر از زندگی شهری، بر سبک زندگی زنان نسل وای اثرگذار بوده است.

دیوید چنی معتقد است «سبک زندگی همان «سازمان اجتماعی مصرف» است. از دید او، سبک‌های زندگی جزء لاینفک زندگی اجتماعی روزمره در جهان مدرن هستند و نقشی اساسی در تعاملات بین افراد دارند. به همین دلیل، سبک‌های زندگی را باید در بافت محسوس زندگی روزمره افراد شناسایی کرد. سلیقه‌ها و قریحه‌ها و ذائقه‌ها که در پیوندی تنگاتنگ با سبک زندگی شکل می‌گیرند و نقشی اساسی در نحوه مصرف کالاها و فرهنگ و در برساختن هویت‌ها دارند، مدخل‌هایی برای ورود به متن زندگی روزمره افراد در جامعه مدرن هستند. مشخصه‌های اصلی سبک زندگی همچون، سطح‌ها، خودها و احساسات یا قریحه‌ها را می‌توان به تجربه از طریق بررسی سرمایه و مصرف فرهنگی افراد مطالعه کرد» (چنی، ۱۳۹۵: ۱۱).

«ویلن معتقد است که سبک و شیوه زندگی از دوران قبل از دوران صنعتی و تقریباً از زمان آغاز تمدن بشری به سمتی رفت که ویژگی‌های اصلی آن تجمل، تبعیض بهره‌کشی و یغماگری بود و تاکنون این ویژگی‌ها کم و بیش با همان ماهیت اصلی خود حفظ شده است. «شواهدی که از ویژگی‌های فرهنگی و عملکردهای اجتماع‌های نخستین در دست است، نشان می‌دهد که همراه با تحول دوران توحش به بربریت، رفته‌رفته نهاد طبقه مرفه سر برآورده است؛ به عبارتی دقیق‌تر، طبقه تن‌آسا همراه با تغییر زندگی صلح‌آمیز به زندگی ستیزه جویان، رشد کرده است. عادی شدن یغماگری در زندگی اجتماعی و جستجوی معاش از طریق روش‌های ساده شرایط ظهور این نهاد را فراهم می‌کند. نهاد طبقه تن‌آسا از مراحل ابتدایی تبعیض شغلی شروع به رشد می‌کند، بر این اساس که بعضی شغل‌ها ارزشمند و بعضی بی‌ارزش قلمداد می‌شوند. طبق این تمایز دیرینه، اشتغال‌هایی ارزشمند هستند که از نوع بهره‌کشی باشند و آن‌هایی بی‌ارزش هستند که هر روز باید انجام گیرند و نشانه‌ای از بهره‌کشی در آن‌ها وجود ندارد» (ویلن، ۱۳۹۶: ۵۷).

بر اساس مبانی نظری مرور شده، سبک زندگی افراد، برآیند ساختارها و شرایط تاریخی، اجتماعی، مذهبی و دیگر عواملی که در هر جامعه‌ای وجود داشته و با جوامع دیگر ممکن است تفاوت داشته باشد، است. این شرایط و ساختارها تعیین کننده الگوهای ارزشی، نوع پوشش، الگوهای رفتاری و نگرش افراد آن دوره است. پارسونز، نظام اجتماعی را به‌عنوان یک نظام کنش متقابل دانست. او به‌جای این مقوله، آمیزه‌نقش- منزلت را به‌عنوان واحد بنیادی در بررسی نظام اجتماعی به کار می‌برد. منزلت به یک جایگاه ساختاری در داخل نظام اجتماعی تلقی می‌شود. نقش همان کارکردی است که کنشگر در یک چنین موقعیتی انجام می‌دهد. کنشگر برحسب اندیشه‌ها و اعمال در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه دستکم برحسب موقعیتی که در نظام اجتماعی دارد؛ به‌عنوان یک‌رشته منزلت‌ها و نقش‌ها، تشخیص داده می‌شود. وی معتقد بود در یک فراگرد اجتماعی شدن موفق، این هنجارها و ارزش‌ها ملکه ذهن می‌شوند، یعنی به‌صورت بخشی از وجدان کنشگران یا وجدان آن‌ها درمی‌آید. این بخش از افکار پارسونز نیز با مقوله‌هایی مانند نگرش مدرن و تلاش برای کسب سبک زندگی ترجیحی در زنان نسل وای، هم‌سو است. طبق نظر وبر ویژگی اصلی سبک زندگی، انتخابی بودن آن است اما انتخابی که در محدوده ساختارهایی قرار می‌گیرند که احتمال تحقق آن را محدود می‌کنند. درست مانند تصمیم‌گیری برای ازدواج که اگرچه انتخاب با خود شخص است، تحت ساز و کار و نظم اجتماعی صورت می‌پذیرد و شخص در انتخاب خود درگیر قید و بندهای جامعه می‌شود.

روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر کاربردی و بر اساس رویکرد کیفی و با روش نظریه داده بنیاد یا گرنند تئوری انجام شده است. «روش نظریه داده بنیاد یک شیوه پژوهش کیفی است که به‌وسیله آن و با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. این روش معمولاً به سه شیوه اجرا می‌شود. شیوه سیستماتیک، شیوه نوحاسته و شیوه سازاگرا. روش سیستماتیک خود مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی دارد» (رودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۴). پژوهش حاضر بر اساس شیوه سیستماتیک انجام شده و سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر روی داده‌های خام (مصاحبه‌ها)، انجام شد.

جامعه مور مطالعه این پژوهش، شامل ۲۱ نفر از زنان نسل وای شهر تهران، است. این

افراد با روش انتخاب هدفمند از بین واجدین شرایط مطلع و آگاه از موضوع پژوهش انتخاب شدند. تعداد مشارکت کنندگان را رسیدن به مرحله اشباع داده‌های نظری و تا حدودی، مفهومی، تعیین نمود. «روش گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است» (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۶۸). برای انجام مصاحبه‌ها، ابتدا سؤالات مصاحبه برای مشارکت کنندگان ارسال شد. سپس در روز انجام مصاحبه، محقق با گوشی موبایل اقدام به ضبط صحبت‌های مشارکت کنندگان کرد. سؤالات مصاحبه بر اساس اهداف پژوهش تنظیم شده بود ولی به جهت ماهیت روش کیفی، نیاز به اعمال برخی تغییرات بر روی سؤالات در حین مصاحبه بود. این تغییرات در جهت بسط ایده مشارکت کننده یا تطابق این نظرات با مقولات استخراج شده در مصاحبه‌های قبلی بود. زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۴۵ دقیقه تا یک ساعت به طول انجامید. انجام مصاحبه‌ها تا رسیدن به مرحله‌ای که در جدول کدگذاری‌ها، مقوله جدیدی به مقولات قبلی اضافه نشد (اشباع نظری)، ادامه یافت. این اتفاق بعد از مصاحبه ۱۸ مشاهده گردید ولی محققین برای کسب اطمینان سه مصاحبه دیگر نیز انجام دادند.

جدول ۱، مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. دموگرافیگ مشارکت کنندگان

کد	تحصیلات	شغل	سال تولد
۱	لیسانس	دانشجو	۱۳۷۸
۲	دکتر	کارمند	۱۳۶۲
۳	ارشد	کارمند	۱۳۷۶
۴	ارشد	کارمند	۱۳۶۸
۵	ارشد	دانشجو	۱۳۶۹
۶	ارشد	دانشجو	۱۳۷۵
۷	ارشد	دانشجو	۱۳۷۶
۸	ارشد	دانشجو	۱۳۷۶
۹	ارشد	دانشجو	۱۳۷۸
۱۰	لیسانس	دانشجو	۱۳۷۸
۱۱	لیسانس	آرایشگر	۱۳۷۶
۱۲	لیسانس	حسابدار	۱۳۷۸
۱۳	ارشد	دانشجو	۱۳۷۷

کد	تحصیلات	شغل	سال تولد
۱۴	لیسانس	کارمند	۱۳۶۹
۱۵	لیسانس	کارمند	۱۳۶۶
۱۶	ارشد	کارمند	۱۳۶۳
۱۷	لیسانس	منشی	۱۳۶۲
۱۸	لیسانس	کارمند	۱۳۶۶
۱۹	ارشد	کارمند	۱۳۶۴
۲۰	دکتر	کارمند	۱۳۶۱
۲۱	لیسانس	کارمند	۱۳۷۸

این پژوهش در بین ۲۱ نفر از زنانی که بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸ به دنیا آمده‌اند انجام شده است. میزان تحصیلات مشارکت‌کنندگان برای دست یافتن به اطلاعات یک‌دست‌تر از بین زنان دارای تحصیلات دانشگاهی بین لیسانس (۹ نفر)، کارشناسی ارشد (۱۰ نفر) و دکتری (۲ نفر)، انتخاب شدند. ۸ نفر از این زنان در حال تحصیل و دانشجوی بودند و شغل و به‌تبع آن استقلال مالی نداشتند و ۱۳ نفر از آن‌ها دارای مشاغل دولتی و آزاد بودند که استقلال مالی داشتند یا دست کم از پس هزینه‌های زندگی خود برمی‌آمدند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با طرح ساختارگرا (چارمیان)^۱، انجام شده است. در شیوه‌گردند تئوری به سبک چارمز، «باید بیشتر به دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، باورها، احساسات، پیش‌فرض‌ها و ایدئولوژی‌های افراد توجه کرد و از به کار بردن نمودارها، نقشه‌های مفهومی، واژگان پیچیده و تخصصی پرهیز نمود. به تعبیر چارمز، نظریه داده بنیاد باید انعکاسی از تجارب، باورها و ارزش‌های مشارکت‌کنندگان باشد که پژوهشگر بر اساس تجارب، باورها و ارزش‌های خود آن‌ها را روایتگری می‌کند» (Moradi, & Miralmasi, 2020: 32). شیوه تجزیه و تحلیل چارمز، گلنزر و اشترواس و کوربین در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) یکسان عمل می‌کند. تفاوت‌ها در رسیدن به فرضیه و نوع استخراج شبه نظریه‌ها و فرضیات است.

مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش بر اساس موضوع و روش تحقیق، توصیفی - تشریحی و با استفاده از ابزار مصاحبه و مشاهده همراه با مشارکت است. تلاش پژوهش‌گر بر این بوده که مصاحبه‌ها تا حد ممکن عمیق و جامع

1. The Constructivist Design

انجام شود. مصاحبه‌ها علاوه بر یادداشت‌های ضمن انجام مصاحبه از نکات کلیدی، به‌وسیله‌گوشی همراه محقق نیز ضبط شدند و سپس، تایپ و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بعد از تایپ، متن مصاحبه‌ها، چندین بار به‌صورت کلی خوانده شد تا ارتباط کلی و مفهومی بین متن جملات پیدا شود. بعد از یافتن ارتباط معنایی جملات، طبق همان ترتیب معنایی، وارد جدول کدگذاری باز شدند.

«کدگذاری باز یا کدگذاری بدوی عبارت است از فروشکستن داده‌های کیفی به بخش‌های مجزا، بررسی دقیق آن‌ها و مقایسه آن‌ها برای یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان (Strauss, & Corbin, 2014: 155). «سه روش برای نام‌گذاری مقوله‌ها وجود دارد: ۱. استفاده از مفاهیم در نظریه‌های موجود که به آن «مفاهیم برخاسته از نوشته‌ها» گفته می‌شود؛ ۲. نام‌گذاری از سوی پژوهشگر ۳. استفاده از مفاهیمی که مشارکت‌کنندگان به‌کاربرده‌اند و اشتراوس و کوربین آن‌ها را «کدهای زنده»^۱ می‌نامند. همچنین سه روش برای بررسی داده‌های خام و انجام کدگذاری باز وجود دارد: ۱. اولین مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها «تحلیل خط به خط»^۲. ۲. کدگذاری جملات و پاراگراف‌ها^۳. تحلیل کل یک سند، مشاهده یا مصاحبه و پرسش» (ازکیا و ایمانی، ۱۳۹۰: ۹۳). پژوهش حاضر، از بین ۲۱ مصاحبه شامل، ۸۰۳ داده خام که بعد از بررسی مفاهیم تکرار شده به ۳۸۴ دلالت مفهومی، ۶۰ مقوله محوری، ۱۴ مقوله انتخابی استخراج شده است.

«غرض از کدگذاری محوری، آغاز کردن فرایند از نو و کنار هم گذاشتن داده‌هایی است که در جریان کدگذاری باز، آن را خرد کرده‌ایم. در کدگذاری محوری مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی متصل می‌شوند تا توضیح‌های دقیق‌تر و کامل‌تر از پدیده‌ها شکل یابند» (اشتراوس و کوربین، ۱۴۰۱). برای انجام کدگذاری باز این پژوهش، در مرحله اول پژوهش‌گر تمام نکات مهم مصاحبه را بعد از چند بار خواندن و پیدا کردن خط مفهومی بین جملات، گزاره‌های مهم را به ترتیب توالی معنایی، وارد جدول نمود. سپس به آن گزاره‌ها، مفاهیمی اختصاص داد. در مرحله سوم، مفاهیم مشترک را در زیر یک طبقه مفهومی پرشمول‌تری به نام مقولات محوری قرار داده شد و در آخرین مرحله کدگذاری، با پوشه‌بندی مجدد چند مقوله محوری و در مرحله بعد، چند مقوله محوری، در زیر یک مقوله انتخابی طبقه‌بندی می‌شوند.

در ستون آخر کدگذاری‌ها، محقق با تجمیع مقولات محوری مشترک، یک مقوله پرشمول‌تر که بتواند چندین مقوله محوری را زیر چتر انتزاعی خود درآورد، یک مرحله دیگر به سمت

1. Live Codes
2. Line by Line Analysis

انتزاعی تر کردن یافته‌ها حرکت نمود. ۶۱ مقوله فرعی، حاصل مرحله کدگذاری محوری است. در بخش کدگذاری انتخابی تحقیق ضمن ایجاد طبقه‌بندی‌های مختلف بر اساس اهمیت و تکرار برای مشارکت‌کننده‌ها، یک مضمون نهایی را به‌عنوان هسته مرکزی مضامین ساخته شده برگزیدیم و مضامین دیگر محوری را با مضمون و هسته کانونی انتخابی، متصل کردیم. محقق با بازخوانی متن مصاحبه‌ها، مقولات مستخرج شده و محورهای پژوهش، مضمون انتخابی پژوهش را، «ره‌آوردهای نسلی» به‌عنوان پارادایم اصلی انتخاب نمود. حاصل این مرحله از کدگذاری، ۱۴ کد انتخابی و یک پدیده اصلی است. در جدول ۲، به نوع مقولات محوری و مفاهیم زیرمجموعه آن‌ها که در نهایت ما را به سمت کد هسته‌ای رهنمون کرد، اشاره می‌کنیم. «در خصوص روایی و پایایی باید اذعان کرد که انجام مراحل نه‌گانه‌گرند تئوری، می‌کوشد تا دو موضوع روایی و پایایی را به ثبوت برساند؛ به‌ویژه در گام‌های نمونه‌گیری نظری، اشباع اطلاعات و دستیابی به کفایت علاوه بر آن، برای تأمین روایی و پایایی پژوهش حاضر، از صحت‌سنجی ریگور یا استحکام داده‌ها و تکنیک مثلث‌سازی استفاده شد که بدین منظور تأکید بر نوشتن یادآورهای متعدد، نمونه‌گیری نظری، دقت در کدگذاری و دسته‌بندی شده است. همچنین جهت تقویت صحت سطح دقت بر مقایسه میان داده‌ها تأکید شد. برای اینکه تئوری خلق شده به بستر و زمینه مطالعه قابل‌تعمیم باشد، نمونه‌گیری نظری با حداکثر تنوع انجام شد که تنوع نمونه‌های مطالعه می‌تواند گواه این مسئله باشد» (محمدپور، ۱۳۹۰: ۷۶).

واکاوی بر ساخت معنایی سبک زندگی زنان نسل وای شهر تهران

جدول ۲. مقولات محوری و مقولات هسته‌ای

ردیف	مقوله محوری	فراوانی	نوع مقوله	مفاهیم	مقوله هسته‌ای
۱	ره‌آوردهای نسلی	۱۹	پدیده پیامدی	تفریح طلبی، عدم رضایت، فقدان معنا، جایگزینی مطالعه به فضای مجازی، پوشش ترجیحی، ظاهر مدرن	ره‌آوردهای نسلی
۲	سبک نیمه سنتی	۱۸	پیامد	ساده‌پوشی، سبک اعتقادی پوششی مدرن، عدم استقلال از خانواده، نگرش نیمه سنتی به ازدواج و حقوق زنان، سبک غذایی سنتی، دوری از دخانیات	
۳	سبک زندگی شتاب‌زده	۲	شرایط علی	بی‌توجهی به تغذیه سالم، تغییرات ذائقه‌ای، بی‌مسئولیتی‌گفتاری و رفتاری	
۴	حاکمیت گفت‌وگو مجازی	۹	شرایط مداخله‌گر	سیطره فضای بر سبک فرهنگی زندگی، کارکردهای مثبت فضای مجازی، کژ کارکردهای فضای مجازی	
۵	خود ارتقایی فردگرایانه	۱۷	استراتژی	خودشکوفایی، تلاش برای زندگی مستقل	
۶	مسئولیت‌پذیری	۷	استراتژی	احساس مسئولیت	
۷	نگرش مدرن	۱۸	شرایط علی	نگرش مدرن به استقلال مالی و حقوق زن، عدم پایبندی به مذهب و سنت، استقلال نسبی از خانواده	
۸	سبک زندگی سکولار	۱	شرایط علی	تغییرات متناسب با جدایی مذهب از زندگی، شخصی دیدن مذهب	
۹	خانواده محوری	۳	شرایط زمینه	روابط سالم خانوادگی، تقسیم وظایف	
۱۰	رسیدن به سبک زندگی ترجیحی	۱۱	پیامد	سبک زندگی دلخواه، رضایتمندی	
۱۱	تغییرات پوششی مدرن	۲	پیامد	سبک اعتقادی پوششی مدرن، تغییر پوشش در سال‌های اخیر	
۱۲	نگرش جنسیتی	۱	شرایط علی	نگرش کلیشه‌ای، نگرش کلیشه‌ای به ازدواج، نگرش کلیشه‌ای به وظایف زنان	
۱۳	جهانی‌شدن فرهنگ	۱	شرایط مداخله‌گر	شیوع فرهنگی، فرهنگ غرب	
۱۴	پذیرش نسبی ساختارها	۸	شرایط مداخله‌گر	پذیرش شرایط، عوامل چندبعدی، نارضایتی از شرایط کشور، مختصات نسلی	

پدیده انتخابی ره‌آوردهای نسلی

منظور از کد انتخابی ره‌آوردهای نسلی، اقتضائات و تحمیل‌هایی است که از طریق برخی عوامل تکنولوژیکی، فرهنگی، تبادل سریع و آسان اطلاعات و نفوذ انواع فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های عمدتاً غربی، افراد جامعه و گروه مشارکت‌کنندگان پژوهش را با سبک‌های زندگی متمایزتر از نسل‌های پیش از خود آشنا نمود؛ بنابراین، آنچه زنان نسل وای را متمایز از نسل‌های پیشین می‌کند، افزایش اطلاعات و آگاهی آن‌ها از وضعیت زنان در دیگر کشورها و مطالبه همان حقوق و آزادی‌ها در جامعه خودشان است. برای رسیدن به این مقوله هسته‌ای، تکرار و اهمیت این مقوله و مقولاتی که تبیین‌کننده ره‌آوردهای نسلی بودند، از سوی دیگر اهمیت این امر در نزد مشارکت‌کنندگان، دلیلی بر انتخاب این مضمون گردید.

شرایط علی

۱. نگرش مدرن: منظور محقق از نگرش مدرن، تغییر و تحولات نگرشی و رویکردی به قوانین، سنن، رسوم و کلیشه‌های جنسیتی و زنانه در بین مشارکت‌کنندگان است. تمام مشارکت‌کنندگان در پژوهش، چه آن‌ها که سبک مدرنی را در زندگی خود پیاده و دنبال می‌کردند و چه آن‌هایی که به صورت نیمه سنتی با پایبندی به اصول و قوانین مذهبی، زندگی می‌کردند، نسبت به زن و جایگاه و حقوق فعلی او، در قوانین و عرف جامعه به دیده اعتراض و نارضایتی نگاه می‌کردند؛ بنابراین، ره‌آوردهای نسلی، در وهله اول حاصل تغییر نگرش در بطن جامعه زنان نسل وای است.

کد ۲ که ۳۹ ساله و کارمند با تحصیلات دکتری جامعه‌شناسی است در خصوص ازدواج و استقلال مالی قبل از ازدواج برای زنان می‌گوید: معتقدم که باید زن حتماً استقلال اجتماعی و اقتصادی داشته باشد و بعد ازدواج کند. زنان حتماً باید مهارت یا استقلال مالی داشته باشند. مهم این است که آن دو نفر با شناخت و آدم هم باشند و اصلاً شیوه ازدواج مهم نیست.

کد ۳ که ۲۵ ساله و دانشجوی ارشد ژنتیک (پذیرش دانشگاه انگلستان) و کارمند آزمایشگاه ژنتیک است، در خصوص ازدواج، مهریه و داشتن روابط خارج از ازدواج می‌گوید: مشغول کار هستم و به نظرم استقلال مالی بسیار مهم است. از نظر من زنان حتماً باید شغل داشته باشند تا بتوانند بی‌منت کارهای خودشان را انجام دهند و به خاطر مسائل مالی مجبور به قبول هر کاری نباشند. با مهریه اصلاً موافق نیستم. سبک

ازدواج ایرانی را دوست ندارم. اگر شرایطی پیش بیاید ازدواج می‌کنم ولی حتماً حق طلاق باید با من باشد و همان‌طور که ازدواج حق من است طلاق هم حق من است. در خصوص حقوق زنان تحقیق و مطالعه کرده‌ام. به نظرم در ایران زنان حقوق خاصی ندارند و آن حدی هم که حق دارند اصلاً اجرا نمی‌شود. دین یک مسئله شخصی است و هرکسی می‌تواند هر طور دوست دارد دین‌دار باشد و من دوست ندارم در خصوص دین صحبت کنم. همیشه عید در خانواده ما جای خاصی داشت و من مراسم سنتی ایرانی را دوست دارم و در خانواده ما هم جایگاه ویژه‌ای دارند.

کد ۴، ۲۳ ساله و کارمند با مدرک کارشناسی ارشد است، در خصوص ازدواج، اشتغال و مهریه، حقوق زنان و طلاق معتقد است: از نظر من تمامی زنان باید استقلال مالی داشته باشند و متکی به فرد یا افراد مخصوصاً آقایان نباشند. استقلال مالی یکی از فاکتورهای زن موفق در جامعه ایرانی محسوب می‌شود. از نظر من طلاق هم ورقی جدید از زندگی است، شاید کلمه‌هایی با بار منفی باشد، ولی می‌تواند پلی برای رشد و زندگی بهتر باشد. به نظرم تعریفی که از مهریه شده درست نیست چون زمانی که مبلغی برای مهریه در نظر گرفته می‌شود، مثل این است که برای دختر قیمت گذاشته شده و این به معنی فروش برده است. (از حقوق زنان) در حد معمول آگاهی دارم و سعی می‌کنم اطلاعات خودم را نسبت به حقوق زنان به‌روز کنم. شخصاً تنهایی را دوست دارم و ترجیح بر تنها زندگی کردن دارم.

۲. سبک زندگی شتاب‌زده: شتاب‌زدگی نسلی یا سبک زندگی شتاب‌زده، به تغییرات سبکی در نسل مورد مطالعه اشاره می‌کند که با شتاب فراوان در پی مصرف کالاهای فرهنگی مجازی و غیرواقعی هستند و از هرگونه اقدامی که باعث درنگ، تأمل، مسئولیت‌پذیری و تفکر شود، گریزانند.

کد ۱: نسلی هستیم که پنهانی کارهایمان را انجام نمی‌دهیم. تلاشی برای پوشیده نگاه داشتن حالات و احساساتمان نداریم. به نظر من اکثر هم‌نسلان نسبت به مسئولیت‌پذیری خود بی‌اهمیت هستند. به موضوعات سطحی می‌پردازند. سعی می‌کنند که واقعیت را دنبال نکنند از آن‌ها گریزان هستند. حرف‌های بی‌منطق و بدون پایه اساسی می‌زنند. حسادت و چشم و هم‌چشمی‌های این نسل نسبت به نسل‌های دیگر بیشتر است و همیشه خواهان این هستند که برتر باشند.

کد ۱۵: میوه هم متأسفانه کمتر می‌خورم، چون تا غروب سرکارم، نهایتاً در حد یکی دو عدد شب می‌خورم.

۳. سبک زندگی سکولار: فرهنگ حاکم بر جامعه ایرانی، فرهنگی آمیخته با مذهب و باورهای مذهبی است. این فرهنگ مذهبی، بعد از انقلاب اسلامی، در طی سال‌های اول بعد از انقلاب تقویت شد، اما بعد از ورود رسانه‌هایی مانند ماهواره و بعد از آن، گسترش و سهولت ارتباطات با استفاده از اینترنت و فضای مجازی، از یک سو و از سوی دیگر، افزایش بی‌رویه مهاجرت‌ها باعث آشنایی و تمایل افراد جامعه به‌ویژه نسل جوان، به فرهنگ سکولار غربی شد. سبک زندگی مذهبی - فرهنگی در بین زنان این پژوهش، بر اساس مقولاتی چون سیطره فضای بر سبک فرهنگی زندگی، عدم پایبندی به مذهب و سنت، ظاهر مدرن، نگرش مدرن به روابط زنان و سبک زندگی مدرن، بازتعریف شده است.

کد ۲: به نظرم اولین و مهم‌ترین عامل کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی است. از زمانی که نسل جدید فهمیدند که مذهب دروغ است و نقش تعیین‌کنندگی ندارند. فهمیدند و می‌خواهند از سبک زندگی قدیمی و مذهبی به خاطر ظلمی که به آن‌ها و نسل‌های گذشته کرده و باعث تحمیل یک‌سری محدودیت‌ها شده، انتقام بگیرند. ... چون فکر می‌کنند خیلی از مشکلاتی که دارند ناشی از باورهای مذهبی است که از سوی والدین و جامعه به آن‌ها القا شده است.

شرایط مداخله‌گر

۱. حاکمیت گفتمان مجازی: منظور محقق از حاکمیت گفتمان مجازی، غلبه فضای مجازی بر ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فردی نسل مورد مطالعه است. در این مورد به برخی از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان اشاره می‌کنیم. برای مثال، کد ۱۹ که ۳۸ ساله و کارمند است با مدرک کارشناسی ارشد در خصوص تأثیر زیاد فضای مجازی بر تفکر، اندیشه و سبک زندگی زنان نسل خود، می‌گوید: امروزه شبکه‌های اجتماعی خیلی تأثیر دارند ولی نه برای افرادی مثل ما که در کانون خانواده تربیت شده‌ایم. تأثیر این شبکه‌ها بر روی نسل‌های بعدی ما بیشتر است چون به نظرم نقش تربیتی خانواده کم‌تر شده است.

یا کد ۱۸ با مدرک لیسانس و کارمندی ۳۶ ساله در مورد فضای مجازی و عرصه تنگ شده توسط آن فضا برای مطالعه و کارهای دیگر معتقد است: قبل‌ترها که حجم کاری‌ام زیاد نبود کتاب می‌خوندم ولی الان متأسفانه کتاب نمی‌خوانم و مطالعه‌ام در حد مطالبی که در فضای مجازی منتشر می‌شود و خواندن اخبار از موبایل شده است.

کد ۱ که ۲۳ ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی حقوق است در مورد حاکمیت فضای مجازی بر زندگی هم‌نسلان خود می‌گوید: این نسل از ما بیشتر به دلیل عضویت در شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص اینستاگرام کمتر روزنامه و کتاب مطالعه می‌کنیم. زندگی اکثر ما در فضای مجازی است. چیزی که به افکار، خصوصیات و نگرش ما جهت می‌دهد همین فضا است. رسانه‌های مورد استفاده من بیشتر داخلی است؛ مثل پیام‌رسان بله پیام‌رسان سروش و همچنین برنامه‌های داندو فیلم مثل فیلمو، فیلم‌نت.

۲. پذیرش نسبی ساختارها: شرایط مداخله‌گر دیگری که باعث رسیدن به پدیده ره‌آوردهای نسلی شده، یک نوع انفعال نسبی در برابر پذیرش مطلق ساختارهاست که نه آن‌ها را می‌توانند تغییر دهند و نه می‌خواهند به آن ساختارهای حاکم، تن دهند. در این شرایط زنان سبک زندگی جدیدی برای خود باز معنا می‌کنند که نه به‌طور کامل شبیه سبک زندگی زنان در کشورهای مدرن است و نه شباهت چندانی به سبک زندگی زنان نسل‌های قبل در ایران دارد. این سبک زندگی جدید، دستاورد شرایط و موقعیت نسلی مشارکت‌کنندگان در پژوهش است.

کد ۸ که دانشجویی ۲۶ ساله در مقطع کارشناسی ارشد است و فعلاً شغلی ندارد، می‌گوید: اگر به‌عنوان شخصی از بیرون بخواهم به زندگی‌ام و سبک آن نگاه کنم نکات بسیاری برای اصلاح و بهبود دارد؛ اما شرایطی است که به‌رحال به آن عادت کرده‌ام و شاید کمی مقاومت برای تغییرش دارم. در کل شخصیت انسان در این شرایط شکل می‌گیرد و شاید بسیاری از محدودیت‌هایی که می‌دانیم درست نیستند و بی‌مورد بودند ولی چون از ابتدا بودند برای ما پذیرفته شده‌اند؛ اما در اکثر مواقع کاری که دوست داشتم رو انجام دادم و حتی اگر نیاز بوده برای آن مقابله کردم. در کل نمی‌توانم گفت این سبک را دوست ندارم اما به نظرم جای خیلی زیادی برای بهتر شدن دارد که عوامل خیلی زیادی وجود دارد بتوان این شرایط را تغییر داد. نمی‌توانم گفت همه عوامل مؤثر بر زندگی افراد عوامل فردی است. بسیاری از عوامل دیگر مثل عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر سبک زندگی افراد مؤثر است. حتی خانواده و اطرافیان هم خیلی دخیل هستند.

کد ۱۹ هم در همین خصوص معتقد است: بحث پوشش و موارد آزادی زنان در ایران من را آزار می‌دهد چون دوست دارم آزاد باشم ولی در کشوری زندگی می‌کنم که برای هر چیز زندگیت تصمیمی می‌گیرند. در محیط کار، دانشگاه، بیرون و ... مدتی بود که بیرون آزاد بودی و می‌توانستی راحت رفت و آمد کنی ولی الان شرایط خیلی سخت است و لباس و موی ما خیلی باعث زحمت کشور شده و به‌مراتب برای ما هم سخت

شده است. ولی محدودیت‌هایی که در کشور برای زنان وجود دارد آزارم می‌دهد. خانم‌ها از نظر من در کشور ما حقوق خاصی ندارند که حالا بخواهند نسبت به آن آگاهی هم داشته باشند. از نظر من حقوق نابرابر هم از لحاظ دینه، ارث، حق اولاد و هرآن چه در این مملکت هست. حتی حق برابری زن و مرد وجود ندارد و هیچ حقوقی وجود ندارد که بخواهند نسبت به آن آگاهی پیدا کنند و از نظر من این مملکت فقط برای مردان است. یکی از دلایلی که نمی‌خواهم ازدواج کنم همین قوانین است. وقتی من هیچ حق برابری با کسی ندارم و قرار است با ازدواج تحت سلطه کسی باشم و او باید به من اجازه دهد تا کارهایی را انجام دهم (کار، درس، ...) خوب چه کاری است؟ سری که درد نمی‌کند را دستمال نمی‌بندند.

به نظر کد ۱۸، بسیاری از شرایط جامعه بر نسل او سیطره دارد. او معتقد است: به‌طور کلی خیلی از شرایط و موقعیت‌ها دست شخص نیست و تابع خیلی از عوامل میشه و بسته به شرایط جامعه است. نسبت به شرایط و سبک زندگی ام زیاد راضی نیستم و احساس می‌کنم خیلی بهتر از این می‌توانست باشد و وقتی نسل‌های جلوتر مثلاً دهه ۷۰ یا گاه ۸۰ می‌بینم، فک می‌کنم خیلی از زندگی جا موندم و می‌تونستم بیشتر روی مهارت و خودم کار کنم که زندگی و سبک زندگی بهتری داشته باشم.

راهبردها

۱. **خودارتقای فردگرایانه:** راهبرد زنان مورد پژوهش، برای خلق و بازمعنای یک سبک زندگی متمایز از نسل‌های پیش، ارتقای خود و مهارت‌های خود و تلاش برای کسب موقعیت اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی و اقتصادی متناسب با یک زن مستقل است. این راهبرد در بین تمام زنان دیده شد و همه مشارکت‌کنندگان برای رساندن خود به سبک زندگی ترجیحی خود، تلاش‌هایی داشتند که برخی از آن‌ها از آن تلاش‌ها، به مبارزه یاد می‌کردند.

کد ۲ در ارتباط با راهکارهایی که منجر به رسیدن او به سبک زندگی دلخواهش شده می‌گوید: توجیه کردن خانواده، استقلال مالی، خودباوری و قدرت گرفتن خودم و پافشاری کردن نسبت به خواسته‌ها و اعتقاداتم و اینکه به خودم، حقوقم و نیازهایم احترام گذاشتم و برای رسیدن به آن‌ها پافشاری کردم و خانواده را توجیه کردم و امروز نسبت به گذشته رضایت بیشتری دارم.

کد ۶، دانشجویی ۲۷ ساله در این ارتباط می‌گوید: بستگی به شرایط، محیط و امکانات (اقتصادی، فرهنگی و...) دارد ولی من از شرایط زندگی خودم راضی هستم

و خوشحالم که مستقل زندگی می‌کنم. واقعاً راضی‌ام از این تغییر از اینکه دنباله‌روی مادرم نبودم و مسیرم را خودم انتخاب کردم. برای تغییر باید مبارزه کرد، توضیح داد و علل انتخاب این تغییر را گفت و اصلاً نباید نسبت به چیزی که می‌خواهیم کوتاه بیاییم و باید همیشه تلاش کنیم.

کد ۲۰ هم در خصوص تلاش‌هایی که برای رسیدن به سبک زندگی دلخواه خود داشته، می‌گوید: درس خواندم. شاغل شدم و مشقت‌های زیادی را تحمل کردم تا به یک استقلال برسیم. انجام بعضی از رفتارها در کشور و خانواده ایرانی هنوز یک تابو است مثل برقراری ارتباط خارج از ازدواج. ولی من بر سر اعتقاداتم هستم و اگر احساس کنم کاری درست است انجام می‌دهم. من معتقدم همان‌طور که بدن احتیاج به غذا دارد و فکر احتیاج به مطالعه، پس ممکن است احتیاج به برطرف کردن نیاز جنسی هم داشته باشی که حتماً نباید از طریق ازدواج باشد. ممکن است این نظریه از نظر بعضی افراد و خانواده‌ها بد باشد. به‌رحال من برای رسیدن به این سبک زندگی بسیار تلاش کردم و در عین احترامی که به خانواده‌ام داشته‌ام سعی کردم در کنار آن‌ها طوری زندگی کنم که نه آن‌ها آسیب ببینند و نه من از خواسته‌هایم دست بکشم. لذا گاهی پیش می‌آید که تمام واقعیت را به آن‌ها نمی‌گویم و همه‌چیز را بیان نمی‌کنم. به نظرم بالا رفتن سطح سواد زنان، استقلال مالی، تغییر نگرش خانواده‌ها به کودکان دختر و همچنین تغییر باورهای خود زنان باعث شده تا سبک زندگی زنان تغییر کند. خانواده‌ها دخترانشان را حمایت می‌کنند و تلاش می‌کنند تا مهارت‌های زیادی یاد بگیرند و درس بخوانند. آن‌ها را حمایت می‌کنند تا مستقل باشند و عزت‌نفس داشته باشند بنابراین حمایت خانواده‌ها و بالا رفتن سطح سواد و به نظرم از همه مهم‌تر استقلال مالی آن‌ها باعث شده تا سبک زندگی زنان هم‌سال من تغییر کند.

۲. مسئولیت‌پذیری: مسئولیت‌پذیری، یکی دیگر از راهبردهای مشارکت‌کنندگان برای رسیدن به سبک زندگی ترجیحی است. در این راهبرد، مشارکت‌کنندگان با پذیرش مسئولیت‌های فردی و گاهی خانوادگی در جهت استقلال مالی و اجتماعی خودگام برمی‌دارند.

کد ۱۹: نسبت به مسئولیت‌پذیری باید بگویم که من آدم مسئولیت‌پذیری هستم و با توجه به اینکه فرزند اول هستم نسبت به خانواده و اطرافیان بسیار مسئولیت‌پذیر هستم و کلاً در محل کار هم این‌گونه هستم. البته مسئولیت‌پذیری زیاد هم یکی از معضلات است برای من چون خیلی خودم را درگیر مسائلی می‌کنم که نباید خیلی برایشان وقت بگذارم.

کد ۲۰: نسبت به اعضای خانواده‌ام مسئولیت‌پذیر هستم و علیرغم اینکه می‌توانم

به صورت مستقل زندگی کنم ولی آن‌ها را تنها نمی‌گذارم اگر به من احتیاجی داشته باشند اصلاً کم کاری نمی‌کنم و به فکر آن‌ها هستم و هر کاری برای خانواده‌ام بتوانم انجام می‌دهم و اگر خانواده و یا اقوام خیلی نزدیک احتیاج داشته باشند هم تا جای امکان انجام می‌دهم و کلاً آدم بی‌تفاوتی نسبت به موضوعات اطرافم نیستم و نسبت به خانواده و خویشاوندان حساسم.

پیامدها

۱. رسیدن به سبک زندگی ترجیحی: رسیدن یا نزدیک شدن به سبک زندگی دلخواه و رضایت نسبی از زندگی، یکی از پیامدهایی است که به اتخاذ راهبرد خودارتقای فرد گرایانه، به دست آمده است.

کد ۱۳ که دانشجویی ۲۴ ساله در مقطع کارشناسی ارشد است می‌گوید: از نظر بنده مهم‌ترین پیامد اقدامات و راهکارهایی که مطرح کردم: معنادار شدن زندگی برای خودم بوده است. به طور کلی احساس و معنایی که نسب به سبک زندگی خود دارم، رضایت بخش است زیرا معتقدم در زندگی چیزهایی موفق شدم کسب کنم و چیزهایی هم یاد گرفتم که یادگیری مسائل مهم خود ارزشی معادل چیزهای کسب شده دارد چون خود نوعی موفقیت در زندگی محسوب می‌شود؛ و نگرش من به زندگی عوض شده است و توانسته‌ام تا حدودی خانواده‌ام را با عقاید همسو کنم.

کد ۱۸: دید بهتری نسبت به زندگی پیدا کردم، دیگه زیاد به خودم و زندگی سخت نمی‌گیرم. چون با این شرایط و تو این مملکت هر کاری هم بکنم فکر نمی‌کنم زندگی بهتری داشته باشم. دیگران را بیشتر درک می‌کنم و احترام بیشتری برای افراد قائم. رشد شخصیتی بیشتری نسبت به قبل پیدا کردم. درک و قدرت حل مسائل و مدیریت بحران یا مدیریت خشم و در کل کنترل بیشتری روی خودم پیدا کردم. مهم‌ترین و اساسی‌ترین اقدام برای سبک زندگی و آزادی حداقلی که داشته باشم استقلال مالی بوده و تا آنجایی که توانستم با احترام به عقاید والدینم، طبق عقاید و تصمیمات خود زندگی کردم. درجه بعدی ادامه تحصیل است و برای مهارت و تخصصم کلاس رفتم و آموزش می‌بینم.

کد ۲۰: من بسیار شاد، سالم و بشاش هستم. سعی می‌کنم از زندگی لذت ببرم و موضوعاتی که مرا ناراحت می‌کنند را به راحتی کنار می‌گذارم و وابستگی چندانی به موضوعات تلخ ندارم و وارد موضوعات پرحاشیه نمی‌شوم. شادابی، استقلال، آزادی در انتخاب، تناسب اندام، ارتباط جنسی دلخواه و ... پیامدهای انتخاب سبک زندگی است

که با آن سروکار دارم. من از سبک زندگی خودم راضی هستم و تلاش می‌کنم که شاد زندگی کنم. البته بعضی چیزها دست خود انسان نیست. مثل بعضی از قوانین جبرگرفته کشور یا اعتقادات دینی یا سنتی که بعضی از خانواده‌ها دارند ولی به هر حال سبک زندگی که امروزه برای خود انتخاب کردم و استقلال خودم را دوست دارم و هر کاری برای به دست آوردن آزادی اندیشه و رفتارم انجام می‌دهم.

۲. سبک نیمه سنتی: دومین پیامد پدیده ره‌آوردهای نسلی، شکل‌گیری سبک نیمه سنتی در بین زنان نسل وای است. این زنان با اخذ برخی فرهنگ‌ها و نگرش‌های مدرن و با نگهداشت و حفظ برخی باورها و عقاید مذهبی و سنتی، سبک زندگی بینابینی بین مدرنیته و سنت برای خود اتخاذ کرده‌اند. این سبک زندگی پیامد دوران گذار ایران از سنت به مدرنیته است. حاکمیت جمهوری اسلامی این دوران‌گذار را با چالش‌هایی همراه کرده است؛ زیرا حکومت اسلامی دید مثبتی به غرب و فرآیند مدرنیته، به‌ویژه در بحث سبک زندگی و موقعیت زنان ندارد. همین عامل باعث ایجاد کندی در فرآیند گذار ایران و ورود زنان به سبک زندگی مدرن شده است.

کد ۵ که زنی ۳۳ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد عمران است، می‌گوید: عاشق غذای خانهم و ترجیح می‌دهم که غذای خانه بخورم، ولی گاهی هم پیش می‌آید که غذای بیرون سفارش دهیم. با دوستانم بیرون می‌روم. با خانواده فیلم می‌بینم. دوره‌های دوستانه و خانوادگی می‌رویم و کلاً تفریح و اوقات فراغتم را این‌طور می‌گذرانم. لباس‌های مشکی را می‌پسندم. سعی می‌کنم همیشه شیک باشم و مطابق با مد روز لباس می‌پوشم. کمی هم راحتی لباس برایم اهمیت دارد، ولی بیشتر به شیک‌پوشی اهمیت می‌دهم به حجاب هم اعتقادی ندارم و اصلاً برایم مهم نیست که روسری بپوشم. عاشق آرایشم حتی وقتی تو خونه تنهام هم آرایش می‌کنم. همیشه آرایش دارم. آرایش کامل و کمی غلیظ را دوست دارم و در آرایش کردن ماهر هستم. سوارکاری می‌کنم و به تناسب‌اندام اهمیت می‌دهم.

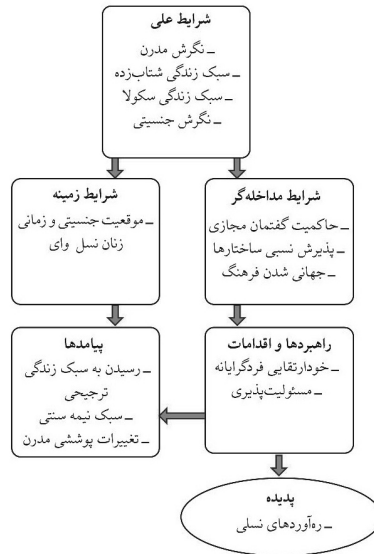
کد ۹، دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد و ۲۳ ساله می‌گوید: من معمولاً غذاهای سنتی را ترجیح می‌دهم. از مشروبات و دخانیات اصلاً استفاده نمی‌کنم چون هم اذیت می‌شوم و هم اینکه بحث سلامتی برام مهم است. در مورد مهریه هم به نظرم نه مهریه اغراق شده و زیاد درسته و نه خیلی کم و کلاً افراط و تفریط را درست نمی‌دانم و نمی‌پسندم. من معمولاً در کارهای خانه به اعضای خانواده کمک می‌کنم و بسیاری از امور خانه‌داری را بلدم و به نظرم لازمه که هرکسی این امور را بلد باشد چه بخواد

با خانواده زندگی کند و چه به صورت مستقل و به درد خودش می خورد که بتونه زندگی را بهتر اداره کند. ولی درعین حال هر دو هفته یا ماهی یک بار ترجیح می دهم از غذاهای فوری هم مصرف کنم؛ چون تنوع را ترجیح می دهم. از نظر پابندی به امور دینی خیلی فردی مذهبی نیستم. مثلاً به این شکل نیست که مرتب نماز بخوانم اما یک سری اعتقاداتی دارم که به آنها پایبندم و این برام ارزشمند هست. از نظر پابندی به سنت ها و مراسم ها من به طور کلی یک سری پابندی ها دارم که باز به طرز فکر و اعتقاد برمی گردد اما اینکه بگم خیلی زیاد پایبندم، نه به این شکل نیست. آنهایی که برام مهم تره اولویت دارد.

کد ۸: از نظر پوشش هر چیزی که بهش علاقه مند باشم می پوشم. البته می توان گفت هر چیزی که بشود و منم باهانش راحت باشم و فکر می کنم هم سن ها هم بیشتر علاقه و راحتی خودشان برایشان مهم است. از نظر آرایش، آدمی نیستم که همه جا و تحت هر شرایطی آرایش داشته باشم و اگر نباشه احساس معذب بودن بکنم؛ اما کلاً آرایش کردن را دوست دارم. در مورد زندگی با والدین در خانواده های ایران یک شرایطی هست که بیشتر اجباریه ولی من زندگی با خانواده را دوست دارم و در صورت اختیاری بودن هم احتمالاً زندگی با پدر و مادر را انتخاب می کردم.

بحث و نتیجه گیری

برساخت معنایی سبک زندگی زنان نسل وای، بر دو پایه محوری «فردگرایی ترجیحی» و «استقلال اقتصادی خواهی» قرار گرفته است. از نظر سبک زندگی فردگرایی ترجیحی، با انتخاب پوشش ترجیحی که گاهی این پوشش مغایر با الگوهای مذهبی و قانونی در کشور است، سعی در دنبال کردن سلیقه و انتخاب خود، علیرغم محدودیت ها و ساختارهای حاکم بر جامعه دارند. در خصوص مصرف سیگار یا مشروبات الکلی، مشارکت کنندگان موضعی موافق یا دست کم بی تفاوت در این خصوص داشته و اکثر آنها یا این مواد را به صورت تفریحی مصرف می کنند یا بنا به دلایل سلامتی و پزشکی، آنها را مصرف نمی کنند. این زنان در سبک زندگی فردی خود، به دنبال تفریحات و خوش گذرانی با دوستان و مسافرت های بدون خانواده، هستند. از سوی دیگر، زنان نسل وای در سبک زندگی فردی خود، به دنبال خودشکوفایی و افزایش مهارت های زندگی و تحصیلی می باشند.



مدل انتخابی پژوهش

بر اساس اندیشه پارسونز «کنش اجتماعی را برآیند سه نظام شخصیت، فرهنگ و نظام اجتماعی می‌داند» (روشه، ۱۳۹۵: ۱۲۰-۸۱)، نظام شخصیت منطبق با سبک زندگی فردی و نظام فرهنگ مبتنی بر مقوله محوری سبک زندگی فرهنگی و مذهبی است که در این پژوهش به دست آمد. طبق نظر وبر ویژگی اصلی سبک زندگی انتخابی بودن آن است اما انتخابی که در محدوده ساختارهایی قرار می‌گیرند که احتمال تحقق آن را محدود می‌کنند. درست مانند تصمیم‌گیری برای ازدواج که اگرچه انتخاب با خود شخص است تحت ساز و کار و نظم اجتماعی صورت می‌پذیرد و شخص در انتخاب خود درگیر قید و بندهای جامعه می‌شود. این بخش از افکار وبر نیز، با یافته‌های این پژوهش تطابق دارد. زنان مورد مطالعه در پژوهش زنان شهری هستند. «زیمل معتقد است روند زندگی در شهر، آگاهی به مد را افزایش می‌دهد؛ یعنی نیاز به انتخاب مواد مصرفی از میان مجموعه‌ای که هم متمایزکننده یک گروه اجتماعی خاص و هم بیانگر ترجیحات خاص است؛ بنابراین الگوهای مدرن مصرف تا حدی ناشی از زیستن در کلان‌شهرها، شهرها و حومه‌ها است. این نظریه که شهری بودن این زنان نقشی در سبک زندگی آن‌ها دارد، مورد تأیید با یافته‌های پژوهش است، زیرا بسیاری از کارهایی که زنان مشارکت‌کننده در پژوهش انجام می‌دادند، در یک محیط کوچک شهرستان یا روستا

امکان‌پذیر نبود. نظریه دیوید چنی نیز که معتقد است «سبک زندگی همان «سازمان اجتماعی مصرف» است»، با آن بخش از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان که دوستان خود که هم سلیقه و هم‌نظر با خود بودند را بر افراد خانواده ترجیح می‌دادند و سعی در گذراندن تفریحات و اوقات فراغت خود با دوستان بودند تا خانواده، تأیید می‌کند.

در بخش زندگی اقتصادی، زنان نسل وای شرکت‌کننده در پژوهش، با نگرش مدرن به حقوق و استقلال مالی زنان، درصدد دستیابی به منابع مالی از طریق اشتغال هستند. به‌زعم این زنان، داشتن استقلال مالی بر ازدواج اولویت دارد و یکی از فاکتورهای زندگی موفق زنان، داشتن استقلال مالی است. این زنان با استقلال نسبی از خانواده سعی در کسب جایگاه و سبک زندگی دلخواه خود دارند. در بخش زندگی مذهبی و فرهنگی، زنان نسل وای با تحولات عمیقی نسبت به زنان نسل قبل از خود روبروگشتند. علت این تحولات عمیق در وهله اول حاکمیت فضای مجازی بر زندگی افراد جامعه از یک‌سو و عدم پابندی این زنان بر اصول و قوانین شرعی و مذهبی از سوی دیگر است که منجر به آشنایی این زنان با فرهنگ‌های ملل مدرن و تغییر نگرش درباره فرهنگ خود شده است. ظاهر مدرن و نگرش مدرن نسبت به روابط زنان و در نهایت سبک زندگی مدرن، محور اصلی سبک زندگی فرهنگی این زنان را تشکیل می‌دهد.

در بررسی شرایط کلان و ساختاری مؤثر در سبک زندگی زنان مشارکت‌کننده در پژوهش، دو عامل حاکمیت گفتمان مجازی که بر اساس آن، کنترل و اعمال فشار از سوی نهادها و حاکمیت برای القا و جا انداختن یک سبک زندگی ایرانی- اسلامی، جای خود را به شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی داد که در آن، زنان الگوهای دلخواه خود را با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی خود، انتخاب می‌کنند. دیگر عامل کلان تأثیرگذار در سبک زندگی نیمه‌سنتی این زنان، ساختارها و قوانین حاکم بر کشور است که محدودیت‌های فراوانی را برای این زنان رقم می‌زند. زنان نسل وای اگرچه در برابر این ساختارها منفعل بوده و قادر به تغییر اساسی آن‌ها نیستند، اما با دور زدن یا تغییر و مصادره به مطلوب این ساختارها با سلاقی خود، منجر به ایجاد سبک زندگی نیمه سنتی شده‌اند.

رسیدن یا نزدیک شدن به سبک زندگی دلخواه و رضایت نسبی از زندگی، یکی از پیامدهایی است که به اتخاذ راهبرد خودارتنقایی فردگرایانه، به دست آمده است. دومین پیامد پدیده ره‌آوردهای نسلی، شکل‌گیری سبک نیمه سنتی در بین زنان نسل وای است. این زنان با اخذ برخی فرهنگ‌ها و نگرش‌های مدرن و با نگهداشت و

حفظ برخی باورها و عقاید مذهبی و سنتی، سبک زندگی بینابینی بین مدرنیته و سنت برای خود اتخاذ نموده‌اند. این سبک زندگی پیامد دوران گذار ایران از سنت به مدرنیته است. حاکمیت جمهوری اسلامی این دوران گذار را با چالش‌هایی همراه کرده؛ زیرا حکومت اسلامی با دید مثبتی به غرب و فرایند مدرنیته، به‌ویژه در بحث سبک زندگی و موقعیت زنان ندارد همین عامل باعث ایجاد کندی در فرآیند گذار ایران و ورود زنان به سبک زندگی مدرن شده است.

به‌طور خلاصه زنان نسل وای، زنانی متفاوت از نسل پیشین هستند. آن‌ها با ایجاد تغییراتی در سبک زندگی سنتی حاکم بر جامعه، یک سبک زندگی نیمه سنتی و نیمه مدرن را به وجود آورده‌اند. مهم‌ترین مشخصه این زنان، تلاش آن‌ها برای کسب استقلال مالی و خانوادگی قبل از ازدواج است. زنان نسل وای، نسبت به ازدواج و رابطه با جنس مخالف، کمتر نگاهی سنتی داشته بلکه با نگرشی مدرن خواهان اختیارات و حقوقی برابر در ازدواج، رابطه با جنس مخالف و طلاق هستند.

منابع و مأخذ

- آجیلی، هادی، بیکی، مهدی. (۱۳۹۳). کالبدشکافی سبک زندگی در جامعه سرمایه‌داری. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ویژه‌نامه (سبک زندگی)، 4(13)، 110-110. doi: org/10.22054/qccpc.2013.6086.81
- ابراهیمی، هاجر، مطلبی، داریوش، باب‌الحوادثی، فهیمه، حریری، نجلا. (۱۴۰۱). مؤلفه‌های نشر حرفه‌ای و پیامدهای حرفه‌ای نبودن نشر ایران؛ با رویکرد نظریه داده بنیاد. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، 23(۶۰)، ۲۸۷-۲۶۱. doi.org/10.22083/jccs.2022.317803.3495
- ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی تحقیق کاربرد نظریه بنیانی، تهران: کیهان.
- اشتراوس، انسلم و جولیت، کوربین. (۱۴۰۱). مبانی پژوهشی کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- باکاک، رابرت. (۱۳۹۸). مصرف، ترجمه خسرو صبری، تهران: شیرازه کتاب ما.
- چنی، دیوید. (۱۳۹۵). تغییر فرهنگی و زندگی هر روزه، ترجمه افشین خاکباز، تهران: نشر شهر.
- رحمت‌آبادی، الهام؛ آقا بخشی، حبیب. (۱۳۸۵). سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، 5(۲۰)، ۲۳۵-۲۵۶.
- رودی، غلامعلی، افشین، موسوی چلک، ضیایی، ثریا و شریف مقدم، هادی. (۱۳۹۸). الگوی پارادایمی تسهیم دانش ضمنی در دانشگاه‌های ایران: از دیدگاه متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی با رویکرد گزند تئوری، پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، 9(۲)، ۶۴-۴۴. doi: VOIO.8132.RIIS/10.22067
- روشه، گی. (۱۳۹۵). تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی.
- طالب‌پور، اکبر، بیرانوند، معصومه. (۱۴۰۱). مطالعه کیفی پیامدهای تجرد قطعی دختران، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، 10(۱)، ۳۵-۱۰. doi: 10.22051JWFS2022.38040.2783.
- عسگری، محبوبه، جهانبخش، اسماعیل، محمدی، اصغر. (۱۳۹۹). سبک زندگی و فردگرایی زنان در شیراز، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، 18(۲)، ۲۳۰-۲۱۶.
- کرایب، یان. (۱۴۰۰). نظریه جامعه‌شناسی کلاسیک، ترجمه شهناز مسی پرست، تهران: آگه.
- محمدی، سارا. (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی زنان با تأکید بر سبک زندگی (مطالعه موردی: زنان ۱۸ تا ۴۵ ساله شهر سنندج)، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی - مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی، تهران: جامعه‌شناسان.
- میرزایی، خلیل. (۱۴۰۱). کیفی پژوهی پژوهشگری و پژوهش‌نامه نویسی، انتشارات فرژان، سال اول، چاپ اول، جلد اول.
- نیازی، محسن، شاطریان، محسن، پاک‌زمان قمی، محمدامین. (۱۳۹۵). دین خانواده؛ بررسی تفاوت نسلی در دینداری در بین خانواده‌های روحانی و غیرروحانی شهر قم، معرفت فرهنگی اجتماعی، 8(۱)، ۶۶-۴۷.

واکاوی برساخت معنایی سبک زندگی زنان نسل وای شهر تهران

وبر ماکس. (۱۳۹۶). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی: بخشی از مجموعه اقتصاد و جامعه، مترجم: احمد صدارتی، ناشر: مرکز.

وبلن، تورستین. (۱۳۹۶). نظریه طبقه تن‌آسا، ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.

هاشم‌پور صادق‌یان، مریم. (۱۴۰۰). فضای مجازی، فضای واقعی و سلامت: مطالعه رابطه تعیین‌کننده‌های اجتماعی آنلاین و آفلاین با سبک زندگی ارتقادهنده سلامت زنان و مردان ۶۵-۱۸ سال در شهر شیراز، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی - مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی.

Brooks, A. C. (2006). Generations and the future of association participation. Chicago: William E. Smith Institute for Association Research.

Huntley, Rebecca. (2006). The world according to Y: Inside the new adult generation. Sydney, Australia: Allen & Unwin.

Moradi, M., & Miralmasi, A. (2020). *Pragmatic research method* (1st ed.). School of quantitative and qualitative research. <https://analysisacademy.com/>

Nagela Ineke and Yannick Lemel (2019), The effects of parents' lifestyle on their children's status attainment and lifestyle in the Netherlands, Poetics, Oxford Advanced Learner's Dictionary.

Rasmus Henriksen Klokke Mads Meier Jæger (2022), Family background and cultural lifestyles: Multi-generational associations, In Press, Corrected Proof What are Corrected Proof articles?, Poetics, Available online 23 February 2022, 101662. Volume 74, June 2019, 101357.

Strauss, A. & Corbin, J. (2014). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. Second Edition. London: Sage.

Tulgan, Bruce. (2016). The Great Generational Shift: The Emerging Post-Boomer Workforce. New Haven, CT, United States, Rainmaker Thinking, Inc.

Yoshiaki Somekawa, Takahiro Miura, and Katsumata (2019), The relationships among frailty index, various physical, psychological, lifestyle related factors, and social connections in Japanese elderly women, Maturitas, Volume 124, June 2019, Page 158.